

# تصویری کوتاه

## از زندگانی چند نقاش بزرگ

گالری سولیوان ، بمناسبت  
دوره دوم نمایشگاه آثار بزرگان هنر  
نقاشی، زندگینامه کوتاه این هنرمندان  
را تنظیم کرده است :



### رنوار:

پیترا آگوست رنوار ۱۸۴۱ در شهر لیموکس فرانسه تولد یافت، او یکی از مشهورترین بنیادگذاران امپرسیونیسم می باشد، رنوار پسر يك خیاط بود و تا قبل از سال ۱۸۶۲ به کشیدن ظروف چینی و اشیائی از این قبیل می پرداخت سپس در این سال وارد آکادمی کلیر شد، برخلاف توجه دیگر امپرسیونیست ها به منظره او بیشتر به فرم و بخصوص پرتره توجه داشت در سال ۱۸۸۰ تقریباً امپرسیونیسم را کنار می گذارد، در سال ۱۸۸۱ به ایتالیا سفر کرد در ونیز و سپس در رم اقامت گزید و به مطالعه فرسکهای رافائل پرداخت در پایان سفری به ناپل و پمپئی رفت و سپس به فرانسه مراجعت نمود و مدت زیادی را با سزان گذراند از این تاریخ بیعد بود که او بیشتر از رنگ به فرم توجه می کند و سری تابلوهای آب تنی کنندگان یا شستشو کنندگان را بوجود می آورد (۱۸۹۵). او عاشق زندگی و زیبایی و به خلاف لوتورک و روئو از زشتی گریزان بود مرك رنوار در سال ۱۹۱۹ در فرانسه اتفاق می افتد.

### پل گوگن:

در سال ۱۸۴۸ در پاریس تولد یافت پدرش فرانسوی ولی مادرش اهلیت دیگری داشت



گوکن در سال ۱۸۷۳ عروسی کرد و دو سال بعد تصمیم می‌گیرد که دنیای کسب و کار را کنار بگذارد و به نقاشی پرداند، او در اثر آشنائی با کارهای پیسارو بطرف امپرسیونیسم گرایش پیدا میکند ولی بزودی از این سبک روگردان می‌گردد، پل گوکن در دهکده پون آن بریغانی سبک ستیزیس را توسعه داد و سپس گروهی از نقاشان بدور او گرد آمدند و سمبولیسم را بوجود می‌آورند که بر مبنای تخیل و جذب به استوار بود و از رنگهایی که زائیده فکر و خیال بود تشکیل می‌گردید. گوکن مدتی را با وان گوک می‌گذراند و سپس بدنبال یک زندگی ساده و آرام به تاهیتی رفت و تا سال ۱۸۹۳ در آنجا اقامت گزید. سبک گوکن در جنوب توسعه پیدا می‌کند کارهای او ترکیبی از سمبولهای شخصی و رنگهای گرم و طرحهای قوی میباشد او در این سال به علت بیماری به پاریس برمی‌گردد و تا سال ۱۸۹۰ در آنجا می‌ماند و بار دیگر در این سال به تاهیتی برمی‌گردد ولی با تشدید بیماری‌اش در سال ۱۹۰۳ در حال تنگدستی دارفانی را وداع می‌گوید.

### ونسان وان گوک :

در سال ۱۸۵۳ در هلند تولد یافت او پسر یک زارع بود و در محیط خانواده‌ای مذهبی بزرگ شد و نسان بسیار احساساتی و زودرنج بود. او در سالهای ۱۸۶۰-۱۸۸۰ زمانیکه تصمیم گرفت یک نقاش شود سالهای بسیار بدی را گذراند برای مثال بعنوان یک مستخدم در یک کتابفروشی کار می‌کرد و در کارهای ابتدائی او که دوره هلندی نام دارد اثرات این زمان بخوبی نمودار است و اغلب تابلوهایش درباره فقر و زندگی انسانهای زحمتکش می‌باشد. در سال ۱۸۸۵ و نسان سفری به آنت ورپ مینماید. و با کارهای روبنز آشنا می‌شود سپس بمطالعه کارهای ژاپنی می‌پرداند او در سال ۱۸۸۶ به پاریس رفت و با امپرسیونیستهای مشهوری چون گوکن - پیسارو - مونه ملاقات نمود، بحثهای طولانی و شبانه‌روزی و کارهای روز نقاش باعث ضرر رسانیدن به سلامتی وی شد سپس تصمیم گرفت به آرتس رود باین امید که بتواند با دوستش مدرسه هنری تأسیس نماید، گوکن نیز به اومی پیوندد ولی نتیجه‌اش معکوس بود و یک روز در اثر بیماری حالتی به او دست داد که به گوکن با یک تیغ حمله کرد و بعد گوش خود را برید. وان گوک در سال ۱۸۹۰ تحت نظر دکتر کاپر قرار گرفت و دوماه بعد خودکشی کرد او عاشق رنگ بود و رنگ را دیوانه‌وار بکار می‌برد.

### سورا :

جورج سورا در سال ۱۸۵۹ در پاریس متولد شد او از یک خانواده متوسط بود، نقاشی دقیق و پای بند اعتدال و توازن اشکال بود، از بسی نظمی و ابهام دوری می‌کرد شیوه



رنگ آمیزی او دقیق تر از امپرسیونیستها بود و این شیوه را سبک انقسام رنگها یا سبک نقطه پردازی مینامند اهمیت سورا در حقیقت بخاطر تعادل اشکال است شیوه رنگ آمیزی کارهای سورا به مراتب دقیق تر و روشن تر از آن است که در کارهای نقاشان دیگر امپرسیونیست دیده میشود او در سال ۱۸۹۱ درگذشت.

### هانری دو تولوز لو تورك :

در سال ۱۸۶۴ در آلبی در قصر یکی از اجدادش بدنیا آمد او در يك حادثه يك پایش و سپس پای دیگرش نیز شکست و دیگر هرگز رشد کامل خود را ننمود و شاید علت این امر همان ظاهر عجیبش بود او از زندگی متعارف کناره گرفت و هم آغوش زندگی پرازگناه ادامه زندگی داد او از زمانیکه استعداد خود را در نقاشی نمایان ساخت والدینش او را وادار نمودند که به پاریس رود و با استادان گوناگون شروع به مطالعه کند. لو تورك در سال ۱۸۸۷ تا سال ۱۸۹۷ بهترین کارهای خود را ارائه داده است از این سال بیعد به بیماری مغزی دچار می گردد والدینش او را برای معالجه به يك مرکز طبی فرستادند ، در مدت کوتاهی او بهتر شد و مجدداً کارهای خود را از سر گرفت ، اغلب کارهای لو تورك از زندهای برهنه میباشد و از آنها برای مدل و موضوع تابلوهایش استفاده بسیار کرده است ، او تحت تأثیر نقاشیهای ژاپنی نیز واقع می گردد و اغلب کارهایش با زندگی رابطة نزدیک دارد ، در سال ۱۸۸۹ در نمایشگاه سال مستقلین شرکت کرد و سپس کارهای خود را در گالری کوپیل بمعرض نمایش گذاشت می توان گفت که مشهورترین آثار او در لیتوگرافی و آفیشهایش می باشد و بالاخره در سال ۱۹۰۱ مرگ وی اتفاق می افتد.

### پل کله :

کله در سال ۱۸۷۹ در نزدیکی برن در سوئیس بدنیا آمد مادر سوئسی او يك نقاش آماتور بود و پدرش استاد موزیک او در بچگی ذوق نقاشی و موسیقی را بیک اندازه در سر داشت ولی سپس تصمیم گرفت يك نقاش شود بدین منظور به مونیخ رفت و مطالعات خود را در مدرسه هنرهای زیبای مونیخ دنبال نمود اولین نمایشگاه کله در سال ۱۹۱۰ در برن ترتیب یافت و در این نمایشگاه تأثیر کارهای سزان ، ماتیس و وان گوگ در تابلوهای او نمودار بود او بعد از ۱۹۲۳ کم کم سبک مخصوص پیدا کرد و تا سال ۱۹۱۴ کارهای کله سیاه و سفید و سیا آب و رنگ بود و از همان سال بعد از يك مسافرت شروع به استفاده از رنگ و روغن نمود ، موضوع اصلی کارهای کله طبیعت و بشری است که دنیا را ماشینیزم می کند کار او اگرچه در ظاهر ساده بنظر می رسد ولی در واقع بسیار پیچیده و پرمعنی است و عنوان تابلوهای او



با اندازه خود تابلوهایش مهم وقوی می باشد . در سالهای ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۱ در باوهاس تدریس نمود و سپس به درجه پروفیسوری مدرسه هنرهای زیبای دوسلدورف نائل آمد . او در سال ۱۹۴۰ درگذشت .

### پابلو پیکاسو :

پیکاسو در سال ۱۸۸۱ در مالاگا در اسپانیا بدنیا آمد پدرش نقاش بود . چهارده ساله بود که خانواده اش به بارسن نقل مکان کردند و دو سال بعد اولین نمایشگاه خود را که شامل کارهای کلاسیک میشد برپا کرد . او بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۴ سه سفر به پاریس نمود و در همان جا شروع به مطالعه کارهای امپرسیونیست ها و سزان کرد در سال ۱۹۰۴ در فرانسه مقیم شد و بقیه عمر خود را در همانجا می گذراند از سال ۱۹۰۱ کارهای پیکاسو را میتوان به دوران مختلف های تقسیم کرد .

از سال ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۴ دوره آبی خوانده می شود در این دوره در حدود ۲۰۰ تابلو کشیده است که اغلب سوژه های او رنج و عذاب می باشد و رنگی که بچشم می خورد آبی است .

سپس از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۶ دوره صورتی را بوجود می آورد که نرمش و آرامی خاصی در آثارش پدیدار می گردد اگرچه هنوز در سال ۱۹۰۵ رنگ آبی در تابلوهای او وجود دارد ولی کم کم رنگ صورتی نیز برای خود جایی باز مینماید در سال ۱۹۰۶ پیکاسو با ماتیس ملاقات می کرد و در همین ایام شدیداً تحت تأثیر هنر ابتدائی افریقا قرار می گیرد . سپس دوران کوبیسم را با تابلوی ظروف خود شروع مینماید اشکال طبیعی را به سطوح گوشه دار و هندسی تجزیه مینماید کوبیسم سبکی است که بر اساس نما و شکل چیزها و تناسب میان اشکال قرار دارد از اینرو با سبک کلاسیک و اصول هندسی تناسب زیاد دارد و در حقیقت میتوان گفت که کوبیسم بازگشتی است بسوی کلاسیک و از سوی دیگر دنباله سبک رئالیست بشمار میرود کوبیسم گرچه اشیاء را چنانکه چشم می بیند دنبال نمی کند ولی اصل و حقیقت آنرا بیان می نماید، پیکاسو در سال ۱۹۳۷ تابلوی گرینگا را بوجود می آورد که نمودار است از جنگ و وحشت که همانطور در خلال جنگ جهانی دوم نیز آثار خود را در این زمینه ادامه می دهد . در سال ۱۹۶۱ دوستان پیکاسو هشتاد سالگی او را جشن گرفتند و فعالیت و خلاقیت هنری او را ستودند او همان شخصی است که ۶۰ سال پیش بصورت جوانی بی چیز و فقیر به پاریس روی آورد او پیوسته بسوی طبیعت میراند و باز از طبیعت جدا می شود و هنوز نقاشی می کند .



### شاگال:

در سال ۱۸۸۹ در روسیه متولد شده است او از يك خانواده پر جمعیت و فقیر بود ولی پدر و مادرش به استعداد وی پی بردند در سال ۱۹۱۰ به پاریس رفت و به زودی توانست در سبک مخصوص به خود نقاشی کند او همراه با خاطراتی از زمان بچگی آثار جالبی را آفرید در سال ۱۹۱۱ آپولی تر نویسنده و نقاش با شاگال نقاش جوان آشنا شد بکارهای او علاقمند گردید و لغت سوررئالیست را به معنای برتر از حقیقت برای کارهای او بکاربرد ، آنچه شاگال می کشد مناظر منطقی روزمره نیست ، صحنه‌هایی از زندگی ذهنی و درونی خیالی و است او در تابلوهایش هستی و نیستیش را درهم آمیخته است .

### پیتر و بروگل (بزرگ):

او در بین سالهای ۳۰-۱۵۲۵ در بروگل نزدیک بردا بدنیآ آمد و در سال ۱۵۵۱ سفری به ایتالیا کرد و شروع بکشیدن طبیعت نمود و او در همین سفر آثار و بناهای تاریخی و آنتیک را فاقد ارزش می‌شمارد و آنرا بی اهمیت تلقی می‌کند پیتر بروگل در ۱۵۶۳ ازدواج می‌کند ، تابلوهای او منظره‌ها یا دور نماهای زندگی دهقانی و موضوعات مذهبی می‌باشد سبک او رئالیسم است .

بروگل در سال ۱۵۶۹ زمانیکه جوان بود در گذشت و دو پسر داشت بنام ولوت و پیتر که هر دوی آنان نیز نقاش شدند .

### لئوناردو داوینچی:

در سال ۱۴۵۲ در نزدیک فلورانس متولد شد و در پیش پدر بزرگش بزرگ گردید داوینچی در سال ۱۴۸۲ فلورانس را به قصد مطالعه ترك کرد و به میلان رفت و مدت ۲۰ سال در آنجا اقامت گزید ، او دارای مطالعاتی در رشته‌های فلسفه - تاریخ بشر - تشریح بیولوژی طب - ستاره‌شناسی - ریاضیات - نور و صدا و بالاخره هنر میباشد ، داوینچی معمولاً در آثار خود از رنگهای گرم استفاده می‌نمود یکی از مشهورترین آثار او تابلو مونالیزا یا لبخند ژو کوند می‌باشد که نقاش بین سالهای ۵-۱۵۰۳ آنرا کشیده است و مدل او احتمالاً همسر فرانسسکو دل کیو کوندو بوده است و به دلیل اینکه او اعتقاد به ایده آل بوجود آوردن را داشت از مدل دیگری برای دستها و تقریباً بدون او استفاده کرده است لئونارد در سال ۱۵۱۹ فوت میکند و او را در کلیسای فلورنتین دفن مینمایند .



## هنری ماتیس:

در سال ۱۸۶۹ در شمال فرانسه بدنیا آمد بیست و دو سال داشت که برای تحصیل هنر به پاریس سفر نمود و با گوستاو مورور شروع بکار کرد.

کارهای ابتدائی ماتیس تقریباً تیره و کپی از طبیعت میباشد وی از سال ۱۸۰۶ یک نثوا پرسیونیست گشت و بیشتر از رنگهای روشن استفاده می کرد او در سال ۱۹۵۴ در جنوب فرانسه در گذشت.

## پل سزان:

نقاش فرانسوی در سال ۱۸۳۹ در آکسان - پروانس بدنیا آمد و در همانجا تحصیلات ابتدائی خود را به پایان رساند او نقاشی را در پاریس آموخت ، سزان یک نثوا پرسیونیست بود که رابطه اش را با امپرسیونیسم قطع نکرده است ، آثار پیسارون نیز تأثیر بسزائی در کارهای وی داشته است ، می توان گفت کوبیسم و فوویسم با و مدیون هستند او اشکال طبیعی را ساده تر و روشن تر بر روی پرده های خود می آورد و این معنی اساس فرضیه مکتب کوبیسم است . سزان بالاخره به بیماری مرض قند و گرفتاری های عصبی دچار گردید و در ۲۲ اکتبر ۱۹۰۶ دارفانی را وداع گفت .

